

گرجیان ایران

یکی از اقلیت‌های زبانی در ایران گرجی‌ها هستند. ایشان امروزه بیشتر ساکن شهرستان فریدون شهر در استان اصفهان هستند.

مهاجرت گرجیها به نقاط گوناگون ایران

نقطه شروع ورود گرجی‌ها به ایران از بدو تأسیس دودمان صفوی یعنی سال ۹۰۷ قمری می‌باشد. در سالهای ۹۳۰ تا ۹۶۷ شاه تهماسب یکم چهار بار به گرجستان لشکر کشی کرد که در لشکرگشی چهارم حدود سی هزار گرجی را روانه ایران کرد. حملات صفویان با بهانه گسترش اسلام و جهاد با کفار صورت می‌گرفت اما در حقیقت علت اصلی حملات غارت کلیساهای گرجستان و اموال گرجیان و به اسارت گرفتن گرجیان و تصرف کردن سرزمینهای آباد گرجستان بود. به هر حال این حملات باعث پرشدن خزاین صفویان و خرابی گرجستان و آوارگی گرجیان می‌گردید.

اوج حملات صفویان به گرجستان در عصر شاه‌عباس اول بود. وی و سردارانش به دفعات با بهانه‌های واهی به گرجستانی که عدم اتحاد حکام آن باعث ضعف آنان شده بود تاختند. در طی این حملات بیش از دویست هزار گرجی به ایران کوچانده شدند و نزدیک به همین تعداد نیز به قتل رسیدند. تنها در یکی از حملات شاه‌عباس به گرجستان وی بیرحمانه در مدت بیست روز ۱۳۰ هزار گرجی را به زور روانه ایران کرد و صدهزار نفر را نیز به قتل رساند.

گرجیانی را که به ایران کوچانده شدند در نواحی مختلفی همانند مازندران فارس قزوین و اصفهان ساکن شدند. گرچه در طول زمان تنها گرجیان اصفهان و آن هم دسته‌ای که بعد ها به فریدن کوچیدن گرجی باقی ماندند و بقیه به دلایل مختلفی زبان و فرهنگ خود را فراموش کردند.

گرجیانی که روانه ایران شدند بدلیل لیاقت ذاتی و صداقت و شایستگی به سرعت پله‌های ترقی را پیمودند. بسیاری از آنها به بالاترین مقامات کشوری و لشکری دست یافتند که در منابع به لیست طویلی از امرا و حکام گرجی در عصر صفوی برمی‌خوریم.

از معروفترین امرا و حکام گرجی که مصدر خدمات ارزشمندی برای ایران گردیدند می‌توان به ۱ - الله وردی خان اوند ایلاذره سازنه پل الله وردی خان مشهور به سیوسه پل و اولین سپهسالار شاه‌عباس و حاکم تمامی فارس ۲ - امام قلی خان پسر الله وردی خان فاتح هرمز و اخراج‌کننده پرتغالیان و حاکم فارس اشاره کرد. بسیاری از گرجی‌ها نیز در زمینه ادبیات و نقاشی پیشرفت کردند

گرگی ها در فریدن / گرجیانی که در عصر صفوی به ایران وارد شدند در نقاطی همانند ۱- فره آباد مازندران ۲- فارس ۳

- اصفهان ساکن شدند. گرجیان مازندران و فارس به مرور تحت تأثیر فرهنگ و زبان غالب محیط قرار گرفته و زبان و اصالت خود را فراموش کردند تعدادی از گرجیانی که به اصفهان آمدند بعد از احداث نجف آباد به پیشنهاد شیخ بهایی عازم آن شهر شدند و بعد از مدتی بدلایلی عازم فریدن شدند.

گرجیان به یاد سرزمین اولیه خود محل زندگی خود را مار تقو پی (صحرايي که آن یکی از سرداران معروف گرجی بنام گیورگی علیه سپاه شاه عباس جنگید) نامیدند. گرجیان فریدن بعد از اسکان در این ناحیه تا کنون حوادث بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند.

۱-سکنه و جمعیت :

بنا به آماري که در بایگانی شهرستان فریدون در مرکز فرمانداری موجود است جمعیت روستاها و مراکز گرجی نشین در فریدن در سال ۱۳۴۵ به قرار زیر بوده است:

- ردیف نام روستا یا شهر فاصله تا مرکز شهرستان تعداد جمعیت در سال ۱۳۴۵
- ۱ فریدونشهر ۴۰ کیلومتر ۵۱۷۸ نفر
- ۲ افوس ۱۰ کیلومتر ۲۶۵۸ نفر
- ۳ آغچه ۴۷ کیلومتر ۱۳۳۳
- ۴ داش کسن ۳۰ ۵۵۰
- ۵ میاندشت ۳۰ ۱۷۰۰
- ۶ بوئین ۲۹ ۱۸۴۶
- ۷ شاهپوردی ۴۲ ۱۰۵۲
- ۸ جق جق ۱۳ ۱۰۹۵
- ۹ چقیورت ۱۲ ۱۰۴۳
- ۱۰ سبیک ۹ ۱۲۱۰

با توجه به آمار فوق می‌توان نتیجه گرفت که در سال ۱۳۴۵ بیش از ۱۷۶۶۵ نفر گرجی در شهرستان فریدونشهر زندگی می‌کردند و سکونت آنها در ۱۰ مرکز روستا یا شهری پیشگفته بوده است، در بایگانی فرمانداری و پرسشنامه‌های وزارت

کشور جمعیت بخش فریدونشهر به طور کلی ۲۳۳۶۳ نفر و جمعیت حومه (بوئین) ۶۹۰۳۳ نفر گزارش شده است که بیشتر گرجیها نیز در این دو منطقه (فریدونشهر و بوئین) متمرکز هستند.

گذران زندگی / اهالی این منطقه (مورد مطالعه) گرجیهایی هستند که در زمان شاه عباس کبیر از اصفهان به ناحیه کوچ داده

شده اند، (اهالی آن بیشتر اولاد گرجیهایی هستند که در زمان شاه عباس صفوی بدانجا کوچ داده شده اند). در کتاب جغرافیای تاریخی اصفهان چنین آمده است: "از سنه ۱۶۰۳ میلادی تا ۱۶۰۵ میلادی مهاجرت آرامنه به شهرهای داخلی ادامه داشت و در مدت قلیلی جمع کثیری گرد آمدند. عده مهاجرین روی هم رفته تا حدود ۳۰ هزار خانوار هم نوشته‌اند که قسمتی در مازندران و عده‌ای در فارس و عراق عجم متوطن گشتند. شاه عباس فرمود که مازندران بهشت مسیحیان است زیرا همیشه سرسبز است و خوک فراوان دارد اما بودن مالاریا و ناسازگاری آب و هوا مخالفت می‌کرد و مهاجرین آرامنه در مازندران نشو و نما نکردند برعکس متوطنین اصفهان و اطراف آن به زودی بارور گشتند.

به فرموده شاه عباس بزرگان خانواده‌های متوسط آرامنه کنار زاینده رود در قرب جوار شاهانه فرود آمدند و مردمان و زارع و فلاحت پیشه به قرأ چهار و فریدن روانه گشتند) از شرحی که گذشت چنین نتیجه گیری می‌شود که اولاً آرامنه و گرجیهای فریدن تاریخ آمدنشان در منطقه غرب فریدن نمی‌تواند از سال ۱۶۰۳ جلوتر باشد و اگر همین سال را آغاز مسکون شدن گرجیها در فریدن به حساب آوریم بنابراین از سکونت آنها تاکنون ۳۷۱ سال می‌گذرد ثانیاً این افراد از بدو ورود به ایران مدتی در مازندران وزمانی در اصفهان ساکن بوده‌اند و بعد به این منطقه آمده‌اند سوماً همه این خانواده ها شغل مهمشان کشاورزی بوده چنانکه هم اکنون تا حدود زیادی تغییر شغل نداده اند. لازم به یادآوری است که اصل منشأ تمام گرجیها از جمهوری گرجستان شوروی است که در دامنه‌های کوهستان غربی قفقاز در کنار دزیای سیاه قرار گرفته و تا زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار در بیشتر ادوار یکی از سرزمینهای ایران به حساب می‌آمده چنانکه سلاله‌های اشکانی در آنجا حکومت کرده اند.

تراکم جمعیت / با مقایسه تمام روستاها و تنها شهر ناحیه گرجی نشین (فریدونشهر) که به وسیله مرکز آمار ایران ایران منتشر شده (۱۷۴۴۵) نفر در سال ۱۳۴۵ و آن چه در بایگانی فرمانداری شهرستان فریدن موجود است (۱۷۶۶۵ نفر) که چندان

اختلافی با هم ندارند ملاحظه می‌شود که گرجیها تقریباً جمعیت تمام شهرستان فریدن را تشکیل می‌دهند که در ۳۴۸۳ خانوار زندگی می‌کنند (تمام خانوارهای شهرستان فریدن ۲۷۲۳۹) بوده است. تراکم جمعیت در شهرستان فریدن ۲۱,۲ نفر در کیلومتر بوده است که این رقم را باید برای منطقه گرجی نشین نیز بپذیریم البته رده جمعیت ی که فعلاً گرجیها مستقر

هستند به ترتیب فریدونشهر ۵۲۱۱ نفر - بوئین ۱۸۴۵ نفر - میاندشت ۱۵۷۷ نفر - آغچه ۱۳۳۲ نفر - سبیک ۱۱۱۹ نفر - جق ۱۰۸۱ نفر - چقیورت ۱۰۴۴ نفر - شاهپوردی ۱۰۱۸ نفر - داش کسن ۵۴۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به سر می‌برده‌اند و چنانکه ملاحظه می‌شود پرجمعیت‌ترین مرکز گرجیه فریدونشهر و کم جمعیت‌ترین آن داش کسن می‌باشد. جمعیت نقاط شهری: از ۱۷۴۴۵ نفر کل جمعیت منطقه گرجی نشین، حدود ۸۶۳۳ نفر را می‌توان جزو مناطق شهری این ناحیه دانست که از این تعداد ۵۲۱۱ نفر در شهر فریدونشهر و ۳۴۲۲ نفر در بوئین و میاندشت هستند که تا اندازه‌ای از بعضی امکانات شهری برخوردار می‌باشند و بقیه جمعیت که حدود نصف گرجیها را شامل می‌شود در دهات اطراف این دو منطقه شهری پراکنده شده و احتیاجات بهداشتی و فرهنگی و غیره خود را غالباً به وسیله آنها برطرف می‌سازند.

تحرك مكاني جمعيت / تحرك مكاني جمعيت که عنوان مهاجرت بدان داده شده عبارت است از جا به جا شدن دسته جمعی یا انفرادی انسانها بدون قصد بازگشت به مبدأ و گاهی معنای وسیعتری به آن می‌دهند و مهاجرت را عبارت از هر نوع تغییر محل اقامت فردی یا خانوادگی می‌دانند. مهاجرت در منطقه گرجی نشین فریدن تحت دو عنوان مهاجرت داخلی و مهاجرت خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم. ۱- مهاجرت داخلی: که خود به دو قسمت تقسیم می‌وشند: مهاجرت دائمی - مهاجرت فصلی.

مهاجرت دائمی در داخل کشور: در اثر عواملی چند که بعداً به آن جداگانه اشاره خواهیم کرد گاهی تعداد زیادی از خانوارهای گرجی به تهران و اصفهان و مناطق دیگر در داخل کشور به طور دائم مهاجرت می‌کنند چنانکه بیش از ۲۰۰۰ تنها از فریدونشهر در چند سال اخیر به تهران، خوزستان و حتی اصفهان برای یافتن کار مهاجرت کرده و با خانواده‌های خود در آنجا سکونت دارند. چنانچه بخواهیم مطلب بالا را به ناحیه گرجی نشین فریدن تأمیم دهیم شاید رقم به ۵۰۰۰ نفر برسد ولی با اطلاعات شخصی که از این موضوع دارم و تحقیقاتی که قبلاً به عمل آورده ام باید گفت که معادل تمام جمعیت جمعیت گرجی نشین فریدن در سال ۱۳۴۵ که بالغ بر ۱۷۶۴۴ نفر بئده است در حال حاضر در خارج از منطقه فریدن به سر می‌برند و تعداد فوق‌الذکر به طور دائم در تهران و اصفهان و سایر شهرستانها زیست مس کنند. تراکم جمعیت در تهران به طور دائم بیشتر در نواحی زیر است: (نازی آباد - خزانه - شهر ری - منصورآباد - پل سیمان - فرح آباد) در اصفهان بیشتر در احمدآباد - مفت آباد و نجف آباد سکونت اختیار کرده اند. عامل مهمی که باعث اسکان این افراد شده است همانا وجود مناطق کارگری در شهرستانها می‌باشد و محله‌های اقامت آنها در تهران و اصفهان گویای کمی درآمد و ناگواری وضع اقتصادی آنهاست.

مهاجرت فصلی: با فرا رسیدن سرما که منجر به بی کاری افراد در منطقه می شود بیشتر کسانی که در کشاورزی و دامداری فعالیت دارند برای پیدا کردن کار برای مدت ۴ تا ۵ ماه به مراکز صنعتی استانها و دامداری بر می گردند. این نوع مهاجرت باعث می شود که در زمستان تعداد مردان، فوق العاده در دهات گرجی نشین کم شود و در نتیجه باعث مشارکت زنان در نگهداری و مواظبت از دامها و جلوگیری از تخریب ساختمانها در اثر بارندگی سخت زمستانی می شود ولی اصولاً در بیشتر موارد بزرگ خانواده در ده مانده و بقیه اقدام به چنین مهاجرتی می کنند. در فصل بهار و تابستان تیز نوعی جابجایی و مهاجرت خاص که مختص فصول گرم است در منطقه مشاهده می شود (یک نوع از این نوع مهاجرت خاص مردم فریدونشهر است زیرا گرجیها از دیرباز اقدام به مساکن موفتی همه ساله در مزارع نزدیک می کنند. این مساکن بیشتر به کسانی اختصاص دارد که مشاغلشان کشاورزی توأم با دامداری است از اوایل اردیبهشت این نوع مساکن را ساخته و با احشام خود به این مکانها کوچ می کنند. مسکنی که فاصله آنها از ۶ کیلومتر بیشتر است گرجیها از اول اردیبهشت تا اواخر مهر به آنجا کوچ کرده و به شغل کشاورزی و دامداری مشغولند ولی مساکنی که تا فاصله ۶ کیلومتر قرار دارند دامداران و کشاورزان شبها به طور خانوادگی در مزرعه هستند و روزها زنان با بچه ها به شهر می آیند و مردان در مزرعه به کشاورزی می پردازند.

مهاجری پذیری منطقه / اشتغال گرجیها در کشاورزی و دامداری که کمتر حاضرند دست از آن بردارند باعث شده است که بیشتر مغازه داران و کسانی که در امر تجارت دست دارند از مناطق دیگر برای دادوستد در بهار و تابستان به این منطقه بیایند و مراکز تجارتي موفتی و فصلی دایر کنند که گاهی باعث اسکان دائمی آنها نیز شده است چنانکه بیشتر مغازه داران و پیشه وران منطقه را اصفهانیها، خوانساریها و اهالی نجف آباد و همایونشهر می دهند.

مهاجرت خارج از کشور: این مهاجرت شامل مهاجرت گرجیها در سالهای اخیر به سرزمین آباء و اجداد خود یعنی جمهوری گرجستان شوروی می باشد، مهاجرت گرجیها به گرجستان مخصوصاً دارای عوامل خاصی در سالهای اخیر بوده که در بحث جداگانه به ذکر آن می پردازیم و تا آنجا که مسلم است بنا به خواست و میل افراد مهاجر انجام می پذیرد.

علل مهاجرت / جنبشهای مهاجرت گرجیهای منطقه فریدن علل مختلفی می توند داشته باشد، و مهاجرت فصلی و دائمی

گرجیان به شهرستانهای داخلی کشور و تهران و همچنین مهاجرت آنها به جمهوری گرجستان در سالهای اخیر بیشتر معلول دو علت است یکی علت اقتصادی و دیگری علت دموگرافیک است که هر کدام ناشی از عوامل چندی به وجود آمده اند.

۱- علت اقتصادی: بدیهی است تنزل سطح رفاه و زندگی، مردم را ناراضی می سازد موجب مهاجرت می گردد، جبر طبیعت و موقعیت جغرافیایی محل دست به دست هم داده و کشاورز گرجی را در منطقه فریدن اوایل پاییز از کار و فعالیت باز می دارد،

دامها را به طویله روانه می‌سازد و در پس آن بی کاری پنهایی دهات گرجی نشین از اوایل مهر تا اوایل اردیبهشت ادامه می‌یابد. کشاورز گرجی، ۵ ماه فعالیت می‌کند و ۷ ماه بی کار است بلی ۵ ماه باید مخارج ۱۲ ماه خود و خانواده اش را تأمین کند و علوفه زمستانی دامها را تهیه و انبار نماید. کشاورزی با هامن سیستم ۳۰۰ سال پیش، کمبود زمینهای زراعتی فقدان آب مورد نیاز و مشکلاتی نظیر جمع آوری محصول و شخم و کشت و برداشت آن با وسایل ابتدایی و اولیه واقعاً زندگی کشاورزان را رقت بار و مشقت آور کرده است. بعد از برداشت محصول و پرداختن مزد دشتسبان، باغبان و نجار و حمامی تازه متوجه می‌شود که بعد از آن همه مشقتی که شبانه روز متحمل شده نان بیش از ۳ تا ۴ ماه خود و فرزندانش را ندارد این است که باعث می‌شود دست از زن و فرزند خود برداشته و برای تأمین مخارج فصلی به مراکز کارگری در شهرستانهای دیگر برود. از عوامل دیگری که باعث مهاجرت می‌شود علل دموگرافیک است یعنی تا اندازه‌ای می‌توان گفت که نفوذ افراد غیر گرجی در منطقه و افزایش جمعیت نیز در امر مهاجرت گرجیها تأثیر به سزایی گذاشته است چنانکه حدود ۹۵ درصد مغازه داران و پیشه وران را افراد غیر گرجی تشکیل می‌دهند، اینها با دادن وام با بهره‌های زیاد به کشاورزان و پیش خرید محصولات آنها با بهای نازل و فروختن اجناس با قیمت‌های گران بر فقر و فاقه گرجیها افزوده اند. ازدیاد جمعیت و نفوذ افراد غیر بومی در منطقه باعث شده است که زمینهای زراعتی ناحیه را به عناوین مختلف، مغازه داران و پیشه وران اصفهانی و خوانساری مالک شوند چنانکه تا چند سال پیش بزرگترین مالکین منطقه، افراد غیر گرجی بودند و گرجیها بیشتر رعیت بودند و اجاره می‌پرداختند و این وضع باعث عدم علاقه گرجیها به زمین و کشاورزی و در نتیجه مهاجرت بوده است.

علل مهاجرت به گرجستان / در درجه اول عواملی چون علت اقتصادی و علت دموگرافیک که در بالا برای مهاجرت داخلی

کشور اعم از فصلی و دائمی ذکر گردید در مهاجرت گرجیها ب خارج از کشور نیز عوامل مهم و اصلی مهاجرت به شمار می‌آیند زیرا چنانکه از جدول مهاجرت گرجیها می‌آید از تعداد ۱۸ خانواری که در فاصله اسفند ۱۳۵۰ تا مهر ۱۳۵۲ به گرجستان مهاجرت کرده‌اند کل دارایی ثروتمندترین آنها حدود ۸۰-۹۰ هزار تومان بوده است و از این ۱۸ خانوار، ۱۵ خانوار کشاورز و کارگر بوده‌اند که این موضوع نمایانگر کمی درآمد گرجیهای مهاجر است. از طرفی چون کوچاندن گرجیها توسط شاه عباس کبیر پادشاه صفوی بنا به میل و رغبت گرجیان انجام نگرفته و علت سیاسی و اجباری داشته است، بعضی از گرجیها پیوسته در پی فرصت بوده‌اند تا این که دوباره به سرزمین اصلی و آباء و اجدادی خود برگردند که با بهبود در روابط ایران و شوروی، وقت مناسبی برای متقاضیان مهاجرت پیدا شده است. با این وصف انگیزه مهاجرت‌های پی در پی آرامنه فریدن به شوروی و ترقیات و مهاجرپذیری اتحاد شوروی در مهاجرت و جذب کشاورزان و کارگران گرجی و افراد کم درآمد

بی تأثیر نبوده است. در نتیجه عللی که یاد شد از اسفند ۱۳۵۰ تا اواخر مهر ۱۳۵۲ تعداد ۱۸ خانوار گرجی که جمعاً ۱۰۲ نفر را تشکیل می‌دهاند به گرجستان مهاجرت کرده‌اند. از خانوارهای مذکور ۱۲ خانوار کشاورز و ۴ خانوار کارگر و ۲ خانوار کارمند بوده‌اند. از این خانواده‌ها ۱۵ خانواده در فریدونشهر سکونت داشته‌اند و ۲ خانواده در چقیورت و یک خانواده در تهران به سر می‌برده‌اند یعنی متجاوز از ۸۳ درصد خانواده‌های مهاجر ساکن فریدونشهر بوده‌اند. بنابر این چنانکه قبلاً گفتم مهاجرت گرجیها ۹۵ درصد علل اقتصادی و دموگرافیک دارد و فریدونشهر که ۸۳ درصد مهاجرین از آنجا مهاجرت کرده‌اند پرجمعیت‌ترین مرکز گرجی نشین در فریدن و بزرگترین شهر گرجی نشین در تمام ایران است، عامل دیگری که در ترغیب گرجیها تأثیر داشته است بیگانه شمردن و به چشم بیگانه به آنها نگرستن است. با این که گرجیها ملیت ایرانی را پذیرفته و در میان اقوام ایرانی ذوب شده‌اند و از دیرباز به ایران و ایرانی علاقه داشته‌اند و برخلاف ارمنه حتی مسلمان شدند و با ایرانیان آمیزش کردند و در طی سالها چه خدماتی که برای حفظ و حراست ایران انجام دادند و سرداران گرجی چون الله وردی خان و امام قلی خان با پیکارهای ذی قیمت خود دست عثمانی‌ها و همچنین پرتقالی‌ها را از خلیج فارس و سرزمین ایران کووتاه کردند با این حال جای بسی تأسف است که پیش آمده که هنوز برخی از فارسی‌زبانان منطقه، گرجی‌ها را بیگانه قلمداد می‌کنند و این موضوع را به رخ آنها می‌کشند. (شما اسیر هستید که توسط شاه عباس آمدید) در صورتی که این موضوع به کلی خلاف واقع است و از زمان آمدن آریاییها به ایران همیشه یک نوع روابط خیلی نزدیک بین فارسی‌زبانان و گرجی‌زبانان وجود داشته است.

تحقیق در مورد آداب و رسوم و اعتقادات گرجیهای فریدن / گرجیهای منطقه فریدن که توسط شاه عباس کبیر پادشاه صفوی در فاصله سالهای ۱۰۲۵ و ۱۰۲۶ هجری از گرجستان شوروی به ایران منتقل شده و دسته‌ای از آنها به فریدونشهر که در واقع دروازه‌ای برای ورود عشایر و ایلهای بختیاری از نظر جغرافیایی به شمار می‌آید صرفاً به خاطر جلوگیری از حملات پی در پی عشایر به دهات فریدن اعزام شده‌اند. از نقطه نظر مراسم و اعتقادات مذهبی و غیره وجه اشتراکی با سایر طوایف ایرانی در آنها به چشم می‌خورد و این شاید بیشتر به این خاطر باشد که گرجیها برخلاف ارمنه رنگ ایرانی به خود گرفته، تغییر مذهب دادند و با ایرانیان آمیزش کردند اما تغییر زبان ندادند و اکثریت به اتفاق به همان زبان گرجی صحبت می‌کنند. دختر و پسری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند اغلب با هم بوده و از همان دوران کودکی با هم معاشرت دارند و در بیلاقها و کارهای کشاورزی و دامداری و حتی شب نشینها همدیگر را کاملاً آزموده‌اند. خواستگاری به این طریق آغاز می‌شود که پسر دختر دلخواه خود را به پدر و مادر معرفی می‌کند و پدر و مادر موضوع را به اطلاع خویشان نزدیک دختر رسانیده،

هر کدام نظر خود را در این مورد اعلام می‌دارند پس از بررسی های کامل تصمیم گرفته می‌شود. بیشتر این بررسی ها روی پدر و مادر دختر و فامیل و سوابق آنها انجام می‌گیرد زیرا معتقدند که دختر همان خواهد بود که پدر و مادر او هستند و همین طور عقیده دارند که بیشتر صفات و خصایص آدمی به فرزندان منتقل می‌شود. خلاصه پس از صلاحدید مادر پسر جریان را به اطلاع مادر دختر رسانیده و تحقیقاتی در مورد خانواده پسر نظیر آنچه در بالا گفته شد به عمل می‌آورند و بعد جواب قبول و یا رد به طرف مقابل داده می‌شود. در صورت اول پدر پسر و دختر هر کدام در یک شب موعود هر کدام به طور جداگانه خویشان خود را دعوت کرده، پس از صرف شام خویشان خانواده پسر به خانواده دختر رفته و در جلسه مشترک میزان شیربها و مهریه روی ورقه‌ای از کاغذ تعیین و به امضاء حاضرین در جلسه می‌رسد. این ورقه را پاگیزه گویند. بعد هر کدام از خویشان خانواده داماد مبلغی پول به عنوان چشم روشنی برای عروس می‌دهند. خانواده عروس در عوض برای هر کدام یک کله قند و مقداری شیرینی تهیه دیده‌اند که آخر شب به آنها می‌دهند. مراسم این شب را مجموعاً مراسم شیرینی خوران گویند. مهریه عروس معمولاً مقداری پول به انضمام چند دانگ خانه است که اکثراً پول به عهده پسر و خانه به عهده پدر داماد نوشته می‌شود. شیربها را که معمولاً خرج اطاق نیز می‌گویند عبارت است از مبلغی پول به اضافه چند من برنج، شیرینی، قند، چای، سیگار، توتون، آرد، گوشت و چند رأس گوسفند. بعد از مراسم تا زمانی که عروس به خانه شوهر نرفته سعی می‌کند خود را از چشم خویشان داماد دور نگهدارد و بعد از مدتی مراسم عروسی را با اطلاع قبلی خانواده آغاز می‌کنند و طرفین، خویشان خود را دعوت می‌نمایند با این تفاوت که خانواده داماد حداقل مردم را به چهار وعده غذا دعوت می‌کنند و خانواده عروس فقط برای یک وعده غذا دعوت می‌کنند. مردها توسط دو مرد و زنها توسط دو زن که به خانه هایشان می‌روند دعوت می‌شوند و دعوت شده باید مقداری شیرینی به آن دو بدهد. بعد از صرف ناهار در اولین خویشان داماد همراه با مأمور ثبت ازدواج به خانه عروس رفته و در حضور معتمدین از عروس و داماد اقرار و موافقت به ازدواج و امضاء دفتر ثبت ازدواج گرفته می‌شود و بعد صیغه شرعی همانجا جاری می‌شود. به این مراسم، مراسم عقدکنان گفته می‌شود. بعد شیرینیها با پایکوبی و ساز و دهل با وضعی که همه آنها را آشکارا روی طبقه‌هایی روباز گذاشته و با سر خویشان داماد حمل می‌شود به خانه عروس تحویل می‌دهند. در اولین شب دعوت، داماد را همسالانش با ساز و دهل به حمام می‌برند و روی دست و پایش حنا می‌بندند و با لباس نو به خانه منتقل می‌کنند. از این به بعد همراه داماد همیشه پسر بچه‌ای که سنش کمتر از ۱۰ سال است و به او نجیب گفته می‌شود می‌باشد. روز سوم عروسی داماد به خانه یکی از خویشانی که فاصله زیادی با خانه آنها داشته باشد می‌رود. بعد با شادمانی میان رقص و پایکوبی خواهران و برادران لباس دامادی می‌پوشد و توسط دوستان به حجله گاه منتقل می‌شود. در

حجله گاه، گوسفندی به پای او قربانی می‌شود و پس از روبوسی توسط پدر و مادر و برادران و خواهران به حجله گاه وارد می‌شود. ناگفته نماند که پذیرایی مدعوین در اکثر مجالس به وسیله سلمانی‌ها انجام می‌گیرد. بعد از صرف ناهار در روز سوم به تمام حاضرین در عروسی یک بشقاب نخود و کشمش با تکه‌های قند داده می‌شود و بعد خویشان و دعوت شدگان هر کدام مبلغی پول و یا اجناس به داماد اهداء می‌کنند که در دفترچه‌ای ثبت می‌گردد. اغلب مجموع این اهدایی‌ها بیشتر از مخارج عروسی و گاهی کمتر و در هر صورت از نصف مخارج عروسی بیشتر است. عصر همان روز برای آوردن عروس به خانه آنها رفته و در پشت بام خانه عروس، خویشان داماد شروع به رقص دسته جمعی به نام چوبی نموده و بعد از اتمام چوبی، رقص با چوب آغاز می‌شود تا این که عروس آماده شود بعد عروس را در حالی که برادر داماد دست راست عروس را گرفته و شمشیری در دست دارد و دست او را برادر عروس گرفته است و جلوی عروس یک آینه با چراغی روشن قرار دارد راهی خانه داماد می‌کنند. نرسیده به خانه داماد، برادر عروس، عروس را متوقف می‌کند تا اینکه مادر داماد به پیشباز عروس رفته، عروس سلامی می‌کند و مادر داماد عروس را روبوسی کرده و اول مقداری آب روی سر و روی عروس می‌پاشد و بعد آینه‌ای جلوی او می‌گیرد و بعد مقداری جو و بعد مقداری گندم روی سرش ریخته و آخر بار یک بشقاب شیرینی و پول روی سرش می‌ریزد و بعد به راه افتاده و به حجله گاه می‌رود. روز سوم بعد از عروسی، جهیزیه توسط زنان خویشان عروس به خانه داده می‌شود و بعد از صرف ناهار جهیزیه به حاضرین در جلسه نشان داده می‌شود و بعد خویشان زن داماد مقداری پول هر کدام به عروس و داماد هدیه می‌کنند. این جلسه آخرین مجلس عروسی به شمار می‌آید. بعد از این عروس از خویشان داماد رو می‌گیرد به این طریق که هر موقع آنها را می‌بیند قسمتی از روسری خود را به دهان گرفته و به این صورت عرض ادب می‌کند که به احتمال قوی، این کار از آداب و رسومی است که از مذهب مسیحیت مابین گرجیها باقی مانده است. از این به بعد روزهای جشن و اعیاد از طرف خانواده عروس مقداری اغذیه و میوه و شیرینی و پارچه به عنوان بهره و یا سهمیه عروس به خانه داماد برده می‌شود تا اینکه عید نوروز فرا می‌رسد. شب عید نوروز از طرف خویشان و خانواده عروس مقداری آجیل و اغذیه و صابون و حنا و میوه از قبیل انار و پرتغال که همیشه همراه با چند متر پارچه و انگشتر و یا غیره می‌باشد به خانه داماد فرستاده می‌شود. این مراسم همه ساله تکرار می‌شود. صبح روز عید داماد همراه نجیب به خانه‌هایی که بهره برای عروس آورده‌اند می‌رود و برای هر کدام از خانواده‌ها یک کله قند می‌برد. بعد خانواده‌ها داماد را دعوت می‌کنند هدیه‌ای از قبیل پوشاک و یا مقداری پول به او می‌دهند. این رسم فقط برای اولین نوروز سال اول عروسی وجود دارد. معمولاً فصل ازدواج در فریدونشهر با آغاز سرما شروع می‌شود. کسی که اولین عروسی را می‌خواهد جشن بگیرد حتماً باید از

تمام بزرگان خانواده هایی که از اولین روز بهار تا آن موقع که کسی از آنها فوت کرده است دعوت کرده و اجازه شروع مجالس را از آنها بگیرد. طبیعی است افرادی که بعد از او عروسی می کنند ملزم به چنین کاری نیستند.

باورها / گرجیها به تمام پیامبران و ائمه به دیده احترام می نگرند. مذهبشان شیعه اثنی عشری بوده ولی مراسم مذهبی و

عبادات را در ماه رمضان و محرم الحرام به طور تقریباً کامل می دهند با این حال هیچ وقت تظاهر به بی دینی و یا دینداری و تبلیغات مذهبی نمی کنند و اصولاً تعصب زیادی دارند، به آرامنه به خاطر این که افراد زحمتکش و بی آزاری هستند دلبستگی شدیدی دارند و از طرفی به عشایر و طوایف لر بختیاری به خاطر ساده لوحی و بی نظری و مهمان نوازی آنها بیشتر از سایر طوایف خوش بین می باشند.

با زبان نرم و دلجویی زود تابع می شوند ولی کمتر با خشونت و زور تسلیم می گردند. گرجیهای فریدونشهر نه تنها زبان خود را فراموش نکرده اند بلکه افرادی هم که از تیره های دیگر به این محل آمده اند زبان گرجی را خوب یاد گرفته اند. طلاق را کاری زشت دانسته و کمتر به آن دست می زنند. زنان در این مورد می گویند زن که با جشن و سرور عروسی به خانه شوهر می رود باید با تابوت و شیون از خانه شوهر خارج گردد. اصولاً معتقد به یک همسری بوده و به مردانی که بیش از یک زن انتخاب می کنند و یا زن خود را طلاق می دهند به دیده حقارت می نگرند و آنها را افرادی ناباب قلمداد می کنند. مشاغل نظیر آسیابانی، حمامی، قصابی و سلمانی مشاغل را مشاغل بد دانسته و کشاورزی را بهترین شغل می دانند و از همین جهت ۹۹٪ گرجیهای فریدونشهر به شغل کشاورزی توأم با دامپروری اشتغال دارند. اکثریت خانواده ها هنوز به صورت گسترده به فعالیت کشاورزی و دامپروری مشترک مشغول هستند. این خانواده ها اغلب از پدر و مادر با فرزندان و زن و فرزندان پسران آنها تشکیل می شود. در این خانواده ها پدر بزرگ و مادر بزرگ دارای اهمیت و احترام خاصی هستند. اداره خانواده به عهده پدر بزرگ و در صورت نبودن او پسر بزرگتر او اصولاً درآمد و مخارج خانواده را به عهده می گیرد. در همه خانواده ها اصولاً زن متکی به شوهر بوده و با این که زن نیز کار می کند شوهر تأمین مخارج زن و فرزندان را وظیفه شخصی خود می داند. اعتقاد به سرنوشت فوق العاده زیاد است. ارث بردن و جلوگیری از تولید نسل را کاری زشت و ناروا می دانند و هنوز معتقدند به مفهوم هر آن کس که دندان دهد نان دهد.